

The effect of the spatial cue on the information processing stages by using the psychology refractory period paradigm

M. Kavyani^{1*}, A. Farsi², B. Abdoli²

1. Ph.D student of the motor behavior department, kinesiology school, ShahidBeheshi university, Tehran, Iran. (Author and correspondent: maryam.kavyan@gmail.com)
2. Associate professor of the motor behavior department, kinesiology school, ShahidBeheshi university, Tehran, Iran.

Abstract

Introduction: The slower response time to the cued than uncued target refers to the inhibition of return. It has been always questioned which process is inhibited by the inhibition of return.

Objectives: This study sought to answer this question by using the psychology refractory period paradigm.

Methodology: A visual cue was presented at the cued or uncued location first, which was followed by an auditory and a visual target.

Results: Results demonstrated no significant difference between the reaction time to the cued than uncued target in short time intervals. But, a significant difference was observed between the response time to the cued than uncued target when time interval was long ($p < 0.001$).

Conclusions: Findings suggest that the inhibitory effect might affect the sensory/perceptual stages of processing while eyes are fixated, and the inhibitory effect can be absorbed into the cognitive slack.

Key Words: Orienting of attention, *Oculomotor* system, Locus of slack, bottleneck, cognitive slack

تأثیر نشانه فضایی بر مراحل پردازش اطلاعات با استفاده از الگوی دوره بی پاسخی روان شناختی

مریم کاویانی^{۱*}، علیرضا فارسی^۲، بهروز عبدلی^۲

۱. دانشجوی دکتری گروه رفتار حرکتی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه شهید بهشتی - تهران - ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی - گروه رفتار حرکتی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی - تهران - ایران

*نویسنده مسئول - آدرس: تهران - اوین - بلوار دانشجو - دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی - دانشگاه شهید بهشتی

Email: maryam.kavyan@gmail.com

چکیده

مقدمه: زمان پاسخ آهسته تر به هدف نشانه گذاری شده را نسبت به هدف نشانه گذاری نشده بازداری بازگشت می نامند. این سؤال وجود داشته است که چه فرایندی توسط بازداری بازگشت، بازداری می شود.

هدف: این مطالعه با استفاده از الگوی دوره بی پاسخی روان شناختی، به دنبال پاسخ به این سؤال بود. روش: ابتدا یک نشانه بینایی در موقعیت سازگار و ناسازگار با هدف دوم ارائه می شد. نشانه توسط دو هدف شنیداری و بینایی دنبال می شد، هر دو به یک پاسخ سریع نیاز داشتند.

یافته ها: در فاصله های زمانی کوتاه، زمان واکنش هدف نشانه گذاری شده تفاوت معناداری با هدف نشانه گذاری نشده نداشت؛ اما در فاصله زمانی طولانی، این تفاوت معنی دار بود ($p < 0/001$)

نتیجه گیری: بنابراین بازداری ایجاد شده بعد از نشانه احتمالاً مراحل حسی/ادراکی را تحت تأثیر قرار می دهد به ویژه وقتی چشم ها ثابت اند. این بازداری می تواند توسط وقفه شناختی قبل از تنگ راه حذف شود.

کلید واژه ها: جهت دهی توجه، سیستم بینایی حرکتی، جایگاه وقفه، تنگ راه، وقفه شناختی

مقدمه

محققین، مریان و آموزگاران همواره با این چالش روبرو بوده‌اند که چگونه می‌توان پاسخ سریع‌تر و مناسب‌تری را به محرک‌های مربوط به اجرای تکلیف داد. توجه مفهومی پرکاربرد در پاسخ به این چالش است به‌طوری‌که نظریه‌های مختلف توجهی مانند نظریه‌های تنگ‌راه، ظرفیت محدود و چند منبعی توضیحات متفاوتی را در پاسخ فراهم آورده‌اند. از جمله پذیرفته شده‌ترین نظریه‌ها نظریه تنگ‌راه است که معتقد است در مراحل پردازش اطلاعات در پاسخ به محرک تنگ‌راه پردازشی وجود دارد. هرچند در مورد جایگاه این تنگ‌راه در بین محققان اختلاف نظر وجود داشته است. برخی همانند ولفورد و بردبنت^۱ بر جایگاه اولیه تنگ‌راه تأکید دارند درحالی‌که برخی دیگر همانند کیل، دویچ و دویچ^۲ یک جایگاه پایانی را در مراحل پردازش اطلاعات برای این تنگ‌راه در نظر گرفته‌اند (پاشلر، ۱۹۹۸؛ اشمیت و لی، ۲۰۰۵). در مسیر مطالعات انجام‌شده بر روی نظریه‌های تنگ‌راه در شناسایی جایگاه تنگ‌راه پردازشی و پاسخ به دلیل تداخل هنگام پاسخ به محرک‌های متوالی نیازمند به پاسخ‌های سریع توسط آن‌ها، دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی و بازداری بازگشت مفاهیمی هستند که فهم آن‌ها و شناخت مکانیزیم‌های زیربنایی آن‌ها راهنمای مهمی در حل چالش ایجادشده است.

انتخاب محرک بینایی برای پاسخ معمولاً از طریق یک انتقال در جهت گیز^۳ صورت می‌گیرد تا آن محرک بینایی را با استفاده از فویای حساس

یا تخصیص درونی منابع پردازشی یا همان انتقال توجه پردازش کند. هم‌راستا شدن منابع پردازش درونی یا اندام گیرنده بیرونی یعنی چشم را به ترتیب جهت‌دهی درونی و جهت‌دهی بیرونی می‌نامند (کلین^۴، ۲۰۰۴؛ کلین و هیلچی، ۲۰۱۱). نشان داده شده است که پس از جهت‌دهی بیرونی، زمان واکنش به هدف در موقعیت قبلاً جهت‌دهی شده با تأخیر همراه است (کلین ۲۰۰۰). اولین بار پوسنر و کوهن^۵ (۱۹۸۴)، یک نوع بازداری پس از جهت‌دهی را کشف کردند (پوسنر و کوهن^۶، ۱۹۸۴). حدود ۲۰۰ هزارم ثانیه بعد از یک نشانه محیطی غیر اطلاعاتی، زمان شناسایی هدف در موقعیت نشانه‌گذاری شده سریع‌تر بود؛ اما بعد از ۳۰۰ هزارم ثانیه این زمان شناسایی هدف در موقعیت نشانه‌گذاری شده آهسته‌تر بود. پوسنر و کوهن این ایده را گسترش دادند که عملکرد این بازداری پس اثر (بعدها توسط پوسنر، رافل، چویت و وگان^۷ ۱۹۸۵) بازداری بازگشت (بازداری بازگشت) نامیده شد (پوسنر، رافل، چویت و وگان، ۱۹۸۵) تقویت جهت‌دهی به سمت جدید بود. در تأیید مستقیم این ایده، برچسب‌های بازداری^۸ بعد از یک جستجوی ناکارآمد^۹ و بعد از جستجوی موقعیت برجسته^{۱۰} مشاهده شده است (کلین ۱۹۸۸؛ تکلار و یاگی^{۱۱} ۲۰۰۰).

بعد از کشف بازداری بازگشت محققان به دنبال یافتن دلیل وقوع بازداری و جایگاه اثرگذاری بازداری بر مراحل پردازش اطلاعات

4. Klein
5. Posner & Cohen
6. Posner & Cohen
7. Rafal, Choate & Vaughan
8. inhibitory tag
9. inefficient search
10. pop out search
11. Takeda & Yagi

1. Welford & Bradbent
2. Kill, Douthick & Douthick
3. gaze

بوده‌اند. به عبارت دیگر اینکه بازداري بازگشت چگونه توليد مي‌شود؟ چه چيزي يا کدام مرحله از پردازش توسط بازداري بازگشت بازداري مي‌شود؟

ديدگاه ادراكي/توجهي فرض مي‌کند، بازداري بازگشت منجر به کاهش در سرعت و کارآمدی پردازش‌های ادراکی می‌شود. همین‌طور بازداري بازگشت باید در اجرای تکالیف ادراک محور که به تخصیص توجه حساس هستند، منعکس شود. درحالی‌که نتایج تحقیقات شواهدی را برخلاف این دو فرضیه دیدگاه ادراکی/توجهي فراهم کرده‌اند و نشان داده‌اند که بازداري بازگشت یک سوگیری حرکتی است. به‌ویژه در حوزه مطالعات قضاوت ترتیب زمانی و توهم حرکت خط هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد بازداري بازگشت منعکس‌کننده یک کاهش در سیستم‌های حسی/ادراکی درگیر در استخراج اطلاعات از موقعیت قبلاً نشانه‌گذاری شده است (گیسون و اگل^{۱۲}، ۱۹۹۴؛ کلین، اشمیت و میولر^{۱۳}، ۱۹۹۸؛ اشمیت، ۱۹۹۶؛ میلر و هاکی^{۱۴}، ۱۹۸۵).

با این حال شواهد دیگری در حمایت وجود یک مؤلفه ادراکی/توجهي بازداري شده وجود دارد. اولین شاهد این است که اندازه اثر بازداري بازگشت باید به عوامل مشابه که اندازه اثر نشانه دهی توجهي را تحت تأثیر قرار می‌دهند، حساس باشد. نشان داده شده است که هر چه شدت محرک بیشتر باشد جهت‌دهی قوی‌تر خواهد بود، همین‌طور جهت‌دهی ایجادشده توسط محرک بینایی قوی‌تر از جهت‌دهی ناشی از محرک

شنوایی است، اما نوع پاسخ درگیر (پاسخ دستی در مقابل حرکت چشم) تأثیری بر جهت‌دهی ندارد. روتر، لورنز و روزنگوست^{۱۵}، ۱۹۹۶ نشان دادند که شدت محرک، اندام گیرنده و نوع پاسخ همان‌گونه که اثر نشانه دهی را تحت تأثیر قرار می‌دهند بر مقدار بازداري بازگشت تأثیرگذارند (روتر، لورنز و روزنگوست، ۱۹۹۶). دومین شاهد در حمایت از جایگاه حسی/ادراکی بازداري بازگشت از تکالیف افتراقی غیر فضایی که در اجرا وابسته به تخصیص توجه هستند، به‌دست آمده است (لویانیز، میلان، تورنی و مادرید^{۱۶}، ۱۹۹۷؛ پرت، کینگستون و چو^{۱۷}، ۱۹۹۷؛ کینگستون و پرت، ۱۹۹۹).

همین‌طور بازداري بازگشت در تکالیف حساس به توجه مانند تکلیف غیر فضایی انتخابی (افتراق بر اساس شکل و اندازه) به‌طور همیشگی دیده نشده است (تری، والداس و نیل^{۱۸}، ۱۹۹۴). چون توجه چنین افتراق‌هایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از این‌رو تیلور و کلین^{۱۹} (۱۹۹۴) نتیجه‌گیری کردند که توجه به‌وسیله بازداري بازگشت بازداري نشده است (تیلور و کلین، ۱۹۹۴). به‌جای آن آن‌ها یک دیدگاه حرکتی را برای بازداري بازگشت مطرح کردند: بازداري بازگشت یک بی‌میلی در پاسخ به یک رویداد در مکان بازداري شده است. اساس حرکتی بازداري بازگشت با استفاده از الگوی حرکت چشم ترجیحی توسط پوسنر و همکاران (۱۹۸۵) تأیید شد (پوسنر و همکاران، ۱۹۸۵). در این الگو دو هدف بافاصله بسیار کوتاه پشت سر هم ارائه

15. Reuter, Lorenz & Rosenquist
16. Lupianez, Milan, Tornay & Madrid
17. Pratt, Kingstone & Khoe
18. Terry, Valdes & Neill
19. Taylor & Klein

12. Gibson & Egeth
13. Klein, Schmidt & Muller
14. Maylor & Hockey

می‌شد یکی از آن‌ها در موقعیت نشانه‌گذاری شده و دیگری در موقعیت نشانه‌گذاری نشده ظاهر می‌شد. از آزمودنی‌ها خواسته شده بود که چشم خود را به سمتی که راحت‌تر هستند حرکت دهند. به‌طور معناداری یک تمایل برای ایجاد ساکاد دور از موقعیت قبلاً نشانه‌گذاری شده وجود داشت. علاوه بر این بازداری بازگشت با اثر سایمون^{۲۰} تداخل داشته است (ایوانوف، کلین و لویپانز^{۲۱}، ۲۰۰۲) و وقتی که یک پاسخ شناسایی استفاده شده است، مقدار بازداری بازگشت با قرار دادن دست آزاد از پاسخ‌دهی بر روی کیبورد دو برابر می‌شود (ایوانوف و کلین، ۲۰۰۱). این یافته‌ها یک اثر در سطح پردازش‌های حرکتی را برای بازداری بازگشت نشان می‌دهند.

با در نظر گرفتن همه این تحقیقات، شواهد نشان می‌دهد که شاید بازداری بازگشت در چندین مرحله از پردازش رخ می‌دهد (تیلور و کلین، ۲۰۰۰؛ کینگستون و پرت، ۱۹۹۹؛ لویپانز، کلین، بارتلمو، ۲۰۰۶). تیلور و کلین (۲۰۰۰) نشان دادند که با توجه به نوع پاسخ درگیر در تکلیف، هم پردازش‌های بینایی/حرکتی و هم فرایندهای تولید حرکت تحت تأثیر بازداری بازگشت دچار تأخیر می‌شوند. سیتل، هیلچی، ونگ، ریس و کلین (۲۰۱۴) نشان دادند که شاخص‌ها الکتروفیزیولوژیک متفاوتی در بازداری ایجاد شده بر اثر پردازش‌های بینایی با مولفه‌های الکتروفیزیولوژیک مربوط به بازداری ایجاد شده بر اثر پردازش‌های حرکتی وجود دارد (سیتل، هیلچی، ونگ، ریس و کلین ۲۰۱۴).

اما شاید استفاده کردن از یک شاخص کلی به‌عنوان مقیاس تعیین جایگاه اصلی تأثیر بازداری بازگشت دلیل اصلی ایجاد این‌همه تناقض در تحقیقات شده است. مجزا کردن اثرات بازداری بر پردازش‌های ادراکی- حرکتی و حرکتی دشوار است، زیرا اثر بازداری توسط شاخص زمان واکنش مشاهده می‌شود، بررسی اینکه آیا این اثرات می‌تواند در مرحله ادراکی- حرکتی یا حرکتی ایجاد شود، جالب است. تا آنجائی که مطالعات بررسی شده است، به نظر می‌رسد که هیچ آزمایش مستقیمی برای جدا کردن این اثرات صورت نگرفته است. چراکه نیاز به تولید بازداری بازگشت و سپس اندازه‌گیری اثر آن بر هر یک از مراحل پردازش اطلاعات یعنی مرحله ادراکی، مرحله انتخاب پاسخ و مرحله برنامه‌ریزی پاسخ به‌طور جداگانه است. از این‌رو شناسایی و کاربرد ابزارهای دیگر با قدرت تشخیص مراحل پردازشی تحت تأثیر بازداری بازگشت در حل تناقض موجود ضروری به نظر می‌رسد. منطق جایگاه وقفه^{۲۲} درگیر در ایجاد دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی که در ادامه توضیح داده می‌شود می‌تواند ویژگی چنین ابزاری را داشته باشد.

الگوی دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی، روشی است که در مطالعه تداخل تکلیف دوگانه به‌خوبی شناخته شده است. در این الگو دو محرک اول و دوم بافاصله‌های زمانی مختلف از هم ارائه می‌شوند و هرکدام به یک پاسخ سریع نیاز دارند. با کاهش فاصله زمانی بین محرک اول و دوم، زمان واکنش به محرک دوم به تدریج افزایش می‌یابد؛ این افزایش در زمان واکنش به

20. Simon effect

21. Ivanoff, Klein & Lupiáñez

22. Locus of Slack Logic

تکلیف دوم به طور مستقیم منتظر اتمام مراحل قبل از مرحله تنگ راه نیست اما به اتمام مرحله تنگ راه تکلیف دوم مربوط می‌شود. ۲. دستکاری مراحل پردازشی بعد از تنگ راه تکلیف دوم تا حد معین هیچ تأثیری بر زمان واکنش اول ندارد، اما بدون توجه به مقدار فاصله منجر به افزایش زمان واکنش دوم تا همان حد معین می‌شود (پاشلر، ۱۹۹۴). با استفاده از دو اصل تحقیقات فراوان وجود تنگ راه پردازشی را در مرحله انتخاب پاسخ و پردازش‌های شناختی مرکزی دیگر وجود دارد درحالی که وجود تنگ راه را در سایر مراحل پردازش، رد کرده‌اند. در مجموع وجود این دو اصل این امکان را فراهم می‌کنند تا از الگوی دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی بتوان به‌خوبی در تعیین مراحل پردازش درگیر در تکلیف استفاده کرد. به این الگو قابلیت تفسیر بهتر نتایج مطالعات رفتاری را می‌دهد.

در تحقیق حاضر، محقق درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که بازداری ایجادشده بعد از ارائه یک نشانه محیطی کدام یک از مراحل پردازش اطلاعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد درحالی که چشم‌ها به یک نقطه خیره می‌مانند. به این منظور محقق از منطق جایگاه وقفه کاملاً شناخته‌شده در ادبیات دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی برای تعیین دقیق محل بازداری ناشی از نشانه محیطی استفاده کرد. محقق فرض کرده بود که ۱. با کاهش فاصله زمانی بین محرک اول و دوم با ایجاد وقفه شناختی زمان واکنش به محرک دوم افزایش می‌یابد (دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی). ۲. زمان پاسخ به محرک دوم در جایگاه سازگار با نشانه آهسته‌تر از زمان پاسخ به همان محرک در جایگاه ناسازگار است (بازداری

محرک دوم را دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی^{۲۳} می‌نامند (پاشلر، ۱۹۹۴؛ پاشلر و سوترلند^{۲۴}، ۱۹۹۸). مشخص شده است که دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی تداخل در تکلیف دوگانه را منعکس می‌کند؛ اما چه مکانیسمی این تداخل را ایجاد می‌کند؟ این تداخل بیانگر وجود یک تنگ راه پردازشی است. به این معنی که اگر مرحله پردازشی آ برای یک تکلیف همان مرحله تنگ راه باشد، وقتی مرحله آ برای یک تکلیف در جریان است، مرحله آ برای تکالیف دیگر نمی‌تواند به‌طور هم‌زمان اجرا شود. اگر فرض کنیم که مرحله آ ابتدا به محرک اول اختصاص می‌یابد، بنابراین ایجاد تأخیر در تکلیف دوم قابل انتظار خواهد بود.

همه این مقدمات را کنار بگذاریم، سؤال اصلی این است که چگونه اندازه‌های رفتاری می‌تواند مشخص کند که اثر دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی می‌تواند یک تنگ راه را در مرحله ویژه‌ای از پردازش اطلاعات نشان دهد؟ و اگر نشان می‌دهد چگونه می‌توان فهمید کدام مرحله است؟ نظریه‌های تنگ راه پیش‌بینی‌های دقیقی را در مورد نتایج آزمایش‌های دور بی‌پاسخی روان‌شناختی فراهم کرده‌اند و در آن‌ها مدت زمان مراحل پردازشی هر تکلیف دستکاری می‌شود. اگر فرض کنیم که تنگ راه در مرحله مرکزی تکلیف وجود دارد، توجه به دو اصل ما را در حل مسئله یاری می‌کند. ۱. اگر مرحله قبل از تنگ راه تکلیف دوم به‌اندازه مشخصی طولانی‌تر شود، زمان واکنش دوم بر اثر آن افزایش نخواهد یافت؛ زیرا در فاصله زمانی کوتاه

23. Psychology refractory period

24. Suterland

بازگشت). ۳. اگر بازداری بازگشت بر مرحله حسی / ادراکی اولیه تأثیرگذار باشد، در فاصله زمانی کوتاه یا متوسط باید اثر بازداری ایجاد شده در زمان واکنش محرک دوم در جایگاه سازگار در وقفه شناختی از بین برود و هیچ افزایش اضافی در زمان واکنش محرک دوم دیده نشود؛ اما در فاصله زمانی کوتاه بین محرک اول و دوم، زمان واکنش به محرک دوم در جایگاه سازگار آهسته‌تر از پاسخ به محرک دوم در جایگاه ناسازگار باشد. بدین ترتیب می‌توان شواهدی را در حمایت یا رد دیدگاه ادراکی/حرکتی بازداری بازگشت در شرایطی که سیستم بینایی-حرکتی خاموش است مشابه با آنچه تیلور و کلین (۲۰۰۰) پیشنهاد کرده بودند، به دست آورد.

روش بررسی شرکت‌کنندگان

۳۱ نفر جوان مرد و زن با سن ۱۸-۳۰ سال به‌طور داوطلبانه و از طریق خواندن پوستر نصب‌شده در دانشگاه در این تحقیق حضور داشتند. ۲۶ نفر راست‌دست و فقط ۵ نفر آن‌ها چپ‌دست بودند. همه شرکت‌کنندگان از لحاظ عصب‌شناختی، بینایی، شنوایی و حرکتی سالم هستند. به افراد به ازای هر ساعت شرکت یک امتیاز یا ۳۰۰۰۰ تومان پول تعلق می‌گرفت.

ابزار و وسایل

آزمون در یک اتاق نسبتاً تاریک اجرا می‌شد. کلیه محرک‌ها در یک زمینه سیاه با فاصله دید ۵۸ سانتی‌متری در یک صفحه‌نمایش ۱۹ اینچی متصل به یک کامپیوتر اپل ۲۵ از طریق یک پردازشگر درونی ۲۶ متصل بود. از دستگاه ثبت

حرکات چشم ۲۷ برای ثبت حرکات چشم استفاده می‌شد. دوربین این دستگاه از طریق یک کلاه بر روی سر قرار می‌گرفت و از آغاز یک کوشش تا انتهای آن و زمانی که پاسخ افتراقی دستی اجرا می‌شد، حرکات چشم را دنبال می‌کرد. همه شرکت‌کنندگان باید یک کالیبره شدن ۹ نقطه‌ای را برای تنظیم کردن و پایایی دقت دستگاه ثبت حرکات چشم اجرا می‌کردند. دستگاه ثبت حرکات چشم در هر ۴ هزارم ثانیه موقعیت مردمک چشم ۲۸ (خیره ماندن) را اندازه‌گیری می‌کرد. محرک‌ها در یک صفحه ۱۹ اینچی با قدرت وضوح ۲۵۶ رنگی تخت ارائه می‌شدند.

محرک‌ها و تکلیف

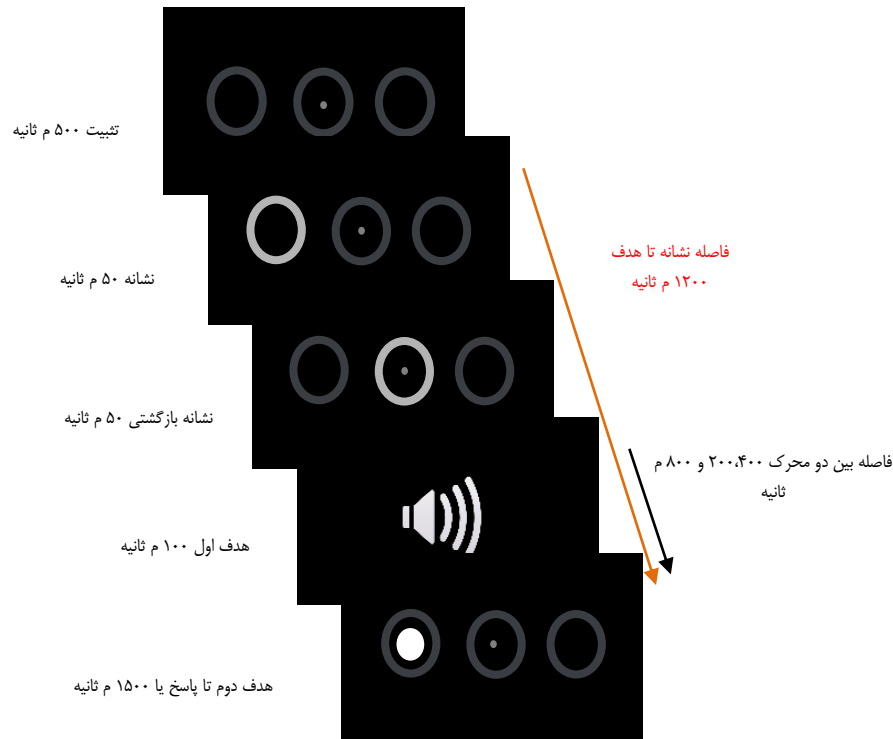
ترتیب ارائه محرک‌ها در شکل ۱ ارائه شده است. قبل از ارائه هر محرک ابتدا یک صفحه با سه دایره قرارگرفته در یک ردیف افقی و به رنگ توسی روشن در یک زمینه سیاه ظاهر می‌شد. اندازه هر یک از دایره‌ها $۱/۱۶ * ۱/۱۶$ زاویه بینایی و فاصله مرکز هر دایره از یکدیگر $۷/۹$ درجه بود. این سه دایره تعیین‌کننده جایگاه ارائه سایر محرک‌ها بودند. بقیه محرک‌ها به رنگ سفید ارائه می‌شدند. نشانه به‌صورت روشن شدن محیط یکی از سه دایره به قطر $۰/۱$ مشخص می‌شد. هدف بینایی یا محرک دوم ارائه یک دایره توپر سفید به قطر $۰/۵$ زاویه بینایی بود. محرک شنیداری به صورت ارائه یک تون بلند و کوتاه توسط بلندگوها ارائه می‌شد. ویژگی‌های نشانه و هدف ارائه شده با اساس الگوی نشانه دهی پوسنر و بر طبق آنچه که تیلور و کلین

27. Eye Link
28. Gaze position

25. Apple Mac Mini
26. Intel Core Due Processor

(۲۰۰۰) در تحقیق خود به کار برده بودند طراحی

شد.



شکل ۱: ترتیب ارائه محرک‌ها در یک کوشش (م ثانیه = میلی ثانیه)

کوشش تولید می‌شد: نشانه‌گذاری شده، نشانه‌گذاری نشده. در موقعیت نشانه‌گذاری نشانه و محرک بینایی در دایره یکسان محیطی ظاهر می‌شدند، اما در حالت نشانه‌گذاری نشده محرک دوم در دایره محیطی متفاوت با دایره نشانه ارائه می‌شد.

بعد از نشانه، نشانه بازگشتی^{۲۹} ارائه می‌شد. نشانه بازگشتی روشن شدن محیط دایره مرکزی به مدت ۵۰ هزارم ثانیه بعد از نمایش نشانه بود. دلیل استفاده از نشانه بازگشتی اطمینان از حفظ توجه در مرکز بود، وقتی توجه به وسیله نشانه محیطی جهت‌دهی شده بود.

بعد از گذشت مدت زمان تثبیت کوشش شروع می‌شد. در طول تثبیت هر سه دایره به رنگ خنثی به مدت ۵۰ هزارم ثانیه بدون تغییر بر روی مانیتور نمایش داده می‌شدند. از آزمودنی‌ها خواسته شده بود، به مرکز دایره وسطی خیره شوند. اگر چشم‌ها حرکت می‌کردند یا آزمودنی پلک می‌زد، آن کوشش حذف می‌شد و به جای آن کوشش دیگری جایگزین می‌شد. بعد از تثبیت، نشانه که همان روشن شدن محیط یکی از دایره کناری یا مرکزی به مدت ۵۰ هزارم ثانیه بود، ارائه می‌شد. موقعیت نشانه می‌توانست با موقعیت محرک بینایی (محرک دوم) سازگار یا ناسازگار باشد. با توجه به وضعیت نشانه دو دسته

در ادامه هدف اول یا همان محرک اول ظاهر می‌شد. محرک اول ارائه یک آهنگ بلند یا آهسته به مدت ۱۰۰ هزارم ثانیه بود. هدف تکلیف اول یک تکلیف دو انتخابی سریع دستی بود. به این صورت که وقتی تون بلند یا کوتاه ارائه می‌شد افراد باید با انگشت میانی دست چپ کلید (آ) و با انگشت اشاره دست چپ حرف (زد) را به ترتیب بر روی صفحه کلید را به سرعت فشار می‌دادند.

در ادامه محرک بینایی یا هدف دوم ظاهر می‌شد. محرک دوم ارائه یک دایره توپر در یکی از دو دایره کناری به مدت ۱۵۰۰ هزارم ثانیه یا تا زمان پاسخ دادن بود. اگر هدف دوم در دایره سمت راست ارائه می‌شد افراد باید با انگشت میانی دست راست خود کلید "." و اگر هدف بینایی در دایره سمت چپ ارائه می‌شد افراد باید با انگشت اشاره دست راست خود کلید "،" را به سرعت فشار می‌دادند.

فاصله‌های زمانی بین ارائه دو هدف اول و دوم ۲۰۰، ۴۰۰، یا ۸۰۰ هزارم ثانیه بود که به ترتیب تصادفی در بین کوشش‌ها تغییر می‌کرد. فاصله زمانی بین نشانه و هدف بینایی یا هدف دوم به مقدار ۱۲۰۰ هزارم ثانیه بود. فواصل زمانی دیگر بین سایر رخدادها طوری تنظیم شده بود که این دو فاصله زمانی ثابت باقی بماند.

طرح تحقیق و شیوه اجرا

آزمایش در دو مرحله تمرین و آزمون اجرا می‌شد. با توجه به حالت‌های مختلف برای ارائه نشانه، هدف اول و هدف دوم، ۴ دسته بلوک در این آزمایش مورد استفاده قرار گرفت. ۱. نشانه-هدف اول- هدف دوم (الگوی ترکیبی از الگوی نشانه‌گذاری فضایی و دوره بی‌پاسخی

روان‌شناختی) ۲. نشانه- هدف اول ۳. نشانه-هدف دوم (مشابه با الگوی نشانه‌گذاری فضایی) ۴. هدف اول- هدف دوم (مشابه با الگوی دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی). در حالت اول هر سه محرک در یک کوشش ظاهر می‌شدند. در حالت دوم نشانه و هدف اول، در حالت سوم نشانه و هدف دوم و در حالت چهارم هدف اول و دوم ظاهر می‌شدند. ترتیب اجرای هر یک از این حالت‌ها بین آزمودنی‌ها کانتربالانس شده بود. هر آزمودنی به‌طور درون‌گروهی کلیه حالت‌ها را اجرا می‌کرد.

کلیه آزمودنی‌ها دو نوع بلوک نشانه-هدف اول - هدف دوم (در تمرین ۲ بلوک و در آزمون ۳ بلوک) و نشانه-هدف دوم (۱ بلوک در تمرین و ۳ بلوک در آزمون) را در مرحله تمرین و آزمون اجرا می‌کردند. هر آزمودنی بلوک‌های نشانه-هدف اول (یک بلوک) را تنها در مرحله تمرین و بلوک‌های محرک اول-محرک دوم (۳ بلوک) را در مرحله آزمون اجرا می‌کردند. پس در مجموع هر آزمودنی ۴ بلوک ۴۸ کوششی در تمرین و ۹ بلوک ۴۸ کوششی را در مرحله آزمون اجرا می‌کردند.

در بلوک‌های نشانه-هدف اول-هدف دوم، برای آزمودنی‌های یک بلوک از ۴۸ کوشش تمرینی ارائه می‌شد که خود از چهار بار تکرار یک ترکیب عاملی درون‌گروهی 3×4 یعنی عامل‌های نشانه (نشانه‌گذاری شده، نشانه‌گذاری نشده، بدون نشانه و نشانه مرکزی) و فاصله زمانی بین هدف اول و دوم (۲۰۰، ۴۰۰، ۸۰۰ هزارم ثانیه) به دست می‌آمد.

فرایند اجرا

هزارم ثانیه بر روی صفحه باقی می‌ماند. در انتهای هر کوشش بازخورد سرعت و دقت در اجرای هر یک از دو تکلیف اول و دوم بر روی صفحه‌نمایش داده می‌شد. در طول یک کوشش از افراد

خواسته‌شده بود که همواره به نقطه تثبیت خیره بمانند، در صورتی که چشم‌ها حرکت می‌کردند یا افراد پلک می‌زدند، کوشش متوقف و به‌جای آن کوشش دیگری ارائه می‌شد. در هر یک از حالت‌های درون‌گروهی با توجه به نوع حالت نشانه یا هدف اول یا هدف دوم ظاهر نمی‌شد ولی بقیه جزئیات بدون تغییر باقی می‌ماند.

یافته‌ها

۸ آزمودنی (۳ زن و ۵ مرد) به دلیل داشتن زمان واکنش‌های پیش‌بینی‌شده بیشتر از ۴۰ درصد کل کوشش‌ها یا نداشتن تعداد کافی کوشش از تحلیل خارج شدند. از این‌رو داده‌های مربوط به ۲۳ نفر مورد تحلیل بیشتر قرار گرفت. چهار آزمودنی دیگر هم به این دلیل که به‌طور فعال تکلیف را اجرا نمی‌کردند. دو نفر از آن‌ها به‌طور غیرعادی در اجرای تکلیف اول آهسته بودند که منجر به افزایش زمان پاسخ به محرک شنیداری با افزایش فاصله بین هدف اول و دوم می‌شد. دو آزمودنی دیگر هم سه برابر خطای میانگین اجرای تکلیف اول خطا داشتند (خطای اجرای تکلیف اول به‌طور میانگین ۶ درصد بود). تنها کوشش‌های صحیح در تحلیل مورد استفاده قرار گرفتند. کلیه کوشش‌های که شامل حرکت چشم یا پلک زدن می‌شدند از تحلیل خارج شدند (کمتر از ۱ درصد). اگر خطای در اجرای تکلیف اول یا دوم (پیش‌بینی، کلید غلط، تعداد زیاد

ترتیب ارائه محرک‌ها در شکل ۱ ارائه‌شده است. هر کوشش با کالیبره کردن دستگاه ثبت حرکات چشم آغاز می‌شد. بعد از کالیبره شدن دستگاه، آزمودنی‌ها آزمون را با مرحله اصلاح خطا آغاز می‌کردند. در این مرحله از آزمودنی‌های خواسته می‌شد تا به نقطه تثبیت خیره شوند و بعد از خیره شدن کلید فاصله^{۳۰} را فشار دهند. اگر دستگاه ثبت حرکات چشم، چشم‌ها را ثابت می‌دید، کوشش شروع می‌شد، در غیر این صورت افراد بایستی مجدداً این کار را تکرار می‌کردند. بعد از اصلاح خطا^{۳۱} موفق یک نشانه غیر اطلاعاتی به مدت ۵۰ هزارم ثانیه در یکی از دو دایره کناری راست و چپ یا دایره وسطی و با احتمال ارائه برابر در یکی از سه دایره ظاهر می‌شد. از آزمودنی‌ها خواسته‌شده بود که نشانه را نادیده بگیرند و هم‌زمان با ارائه نشانه همچنان به مرکز صفحه خیره بمانند. اگر به‌اشتباه چشم آزمودنی‌ها به سمت نشانه حرکت می‌کرد، کوشش خاتمه می‌یافت و به‌جای آن کوشش دیگری ارائه می‌شد. ۲۰۰ هزارم ثانیه بعد از اتمام نمایش نشانه، نشانه بازگشتی به مدت ۵۰ هزارم ثانیه در دایره وسطی ارائه می‌شد. نشانه بازگشتی با ارائه یک تون کوتاه یا بلند (هدف اول) به مدت ۱۰۰ هزارم ثانیه دنبال می‌شد. از آزمودنی‌ها خواسته شد که با شنیدن تون یکی از کلیدهای "آ" یا "زد" را با توجه به نوع تون با سرعت و دقت فشار دهند. ۲۰۰، ۴۰۰ یا ۸۰۰ هزارم ثانیه بعد از هدف اول هدف بینایی یا دوم به‌صورت یک دایره توپر در دایره سمت راست یا سمت چپ ارائه می‌شد و تا ارائه پاسخ یا به مدت ۱۵۰۰

30. space

31. Drift correction

پاسخ، از دست دادن پاسخ، پاسخ به محرک اول یا دوم در صورتی که ارائه نشده بودند) آن کوشش‌ها نیز از تحلیل خارج می‌شدند. میانگین کل خطاها ۱۸٪ بود. داده‌های پرت با استفاده مقایسه انحراف مطلق از میانگین^{۳۲} شناسایی شدند. به عبارت دیگر داده‌های که خارج از دامنه ± 3 از میانه بودند به عنوان داده پرت از تحلیل خارج می‌شدند. میانگین زمان واکنش و دقت در کوشش‌های صحیح برای هر دو تکلیف اول و دوم به عنوان تابعی از فاصله بین هدف اول-هدف دوم و شرایط نشانه گذاری در جدول ۲ و ۳ ارائه شده است.

نتایج آزمون شاپیروویک^{۳۳} نشان داد که توزیع داده‌های نمرات زمان واکنش محرک اول و دوم در فاصله‌های زمانی مختلف ارائه دو محرک نرمال است ($p < 0.05$). نتایج آزمون برابری واریانس لوین پیش فرض برابری واریانس‌ها را برای هر دو زمان واکنش محرک اول و دوم تأیید کرد ($p < 0.05$). در مرحله بعد با استفاده از تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری 2×3 (فاصله زمانی \times نشانه) نمرات زمان واکنش محرک دوم در فاصله‌های زمانی مختلف ارائه بین دو محرک تحلیل شد.

نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری 2×3 (فاصله زمانی \times نشانه) نشان داد (جدول ۴)، اثر فاصله زمانی در زمان واکنش محرک دوم ($p < 0.001$) و $F(2,36) = 65/23$ معنی‌دار بود؛ همین‌طور که فاصله زمانی بین هدف اول و دوم افزایش می‌یافت زمان واکنش محرک دوم به‌طور معناداری کاهش می‌یافت

(میانگین زمان واکنش محرک دوم در فاصله‌های زمانی ۲۰۰، ۴۰۰ و ۸۰۰ هزارم ثانیه به ترتیب برابر با ۴۴۰/۵۰، ۵۰۲/۹۲ و ۵۴۴/۳۹ بود). نتایج نشان داد که آزمون کرویت موچلی^{۳۴} معنی‌دار بود ($p = 0.004$)، بنابراین از اِپسِلین گرین هاوس گیزر^{۳۵} استفاده شد. نتایج نشان داد که اثر نشانه ($p < 0.001$) و $F(1,18) = 117/04$ معنی‌دار بود؛ یعنی زمان واکنش محرک دوم در موقعیت نشانه گذاری شده (۵۶۸/۰۴) بزرگ‌تر از این زمان در موقعیت نشانه گذاری نشده (۴۲۳/۲۶) بود. همین‌طور اثر تعامل فواصل زمانی مختلف ارائه بین دو محرک در نشانه معنی‌دار بود ($p < 0.001$) و $F(2,36) = 21/21$. برای مشاهده اختلاف بین میانگین زمان واکنش دوم در هر یک از شرایط جدول ۳ و شکل ۲ را مشاهده کنید.

34 Mauchly's test of sphericity.
35 Epsilon-serGreenhouse Geis .

32. the absolute deviation from the median
33. Shapiro_Wilk Test.

جدول ۲: میانگین زمان واکنش اول + درصد خطا در بلوک‌های حالت نشانه-هدف اول-هدف دوم در مرحله آزمون (زمان برحسب هزارم ثانیه)

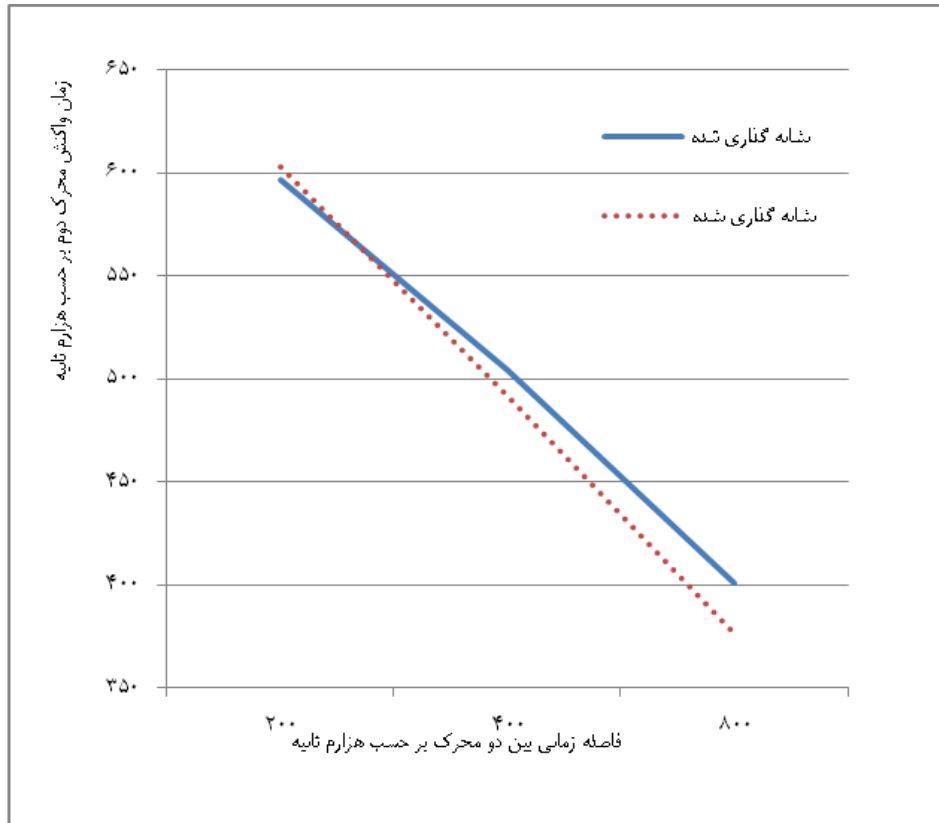
فاصله زمانی / زمان واکنش اول	شرایط	نشانه‌گذاری نشده	نشانه‌گذاری شده
۲۰۰	۰/۰۷+۶۴۹/۹۱	۰/۰۶+۶۵۰/۰۹	
۴۰۰	۰/۰۲+۶۵۰/۸۳	۰/۰۴+۶۵۸/۰۹	
۸۰۰	۰/۰۲+۶۸۱/۰۱	۰/۰۲+۶۹۰/۰۹	

جدول ۳: میانگین زمان واکنش هدف دوم + درصد خطا در حالت ترکیبی نشانه-هدف اول-هدف دوم در مرحله آزمون (واحد زمان به هزارم ثانیه)

فاصله زمانی / زمان واکنش دوم	شرایط	نشانه‌گذاری نشده	نشانه‌گذاری شده
۲۰۰	۰/۰۱+۶۰۳/۰۰	۰/۰۲+۵۹۶/۸۴	
۴۰۰	۰/۰۳+۴۹۱/۹۳	۰/۰۱+۵۰۴/۲۷	
۸۰۰	۰/۰۳+۳۷۶/۸۲	۰/۰۰۸+۴۰۱/۰۴	

جدول ۴: نتایج آزمون تحلیل واریانس عاملی با اندازه‌های تکراری ۲ (نشانه) \times ۳ (فاصله زمانی) در زمان واکنش محرک دوم

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	ارزش P
نشانه	2805/069	۱	2805/069	117/04	۰/۰۰۱
فاصله زمانی	419489/738	۱	838979/47	65/23	۰/۰۰۱
نشانه \times فاصله زمانی	4478/009	۱	2239/004	21/21	۰/۰۰۱



شکل ۲: میانگین زمان واکنش محرک دوم به عنوان تابعی از فاصله زمانی بین هدف اول و دوم.

نشانه گذاری شده به طور معنی داری بزرگ تر از این زمان در موقعیت نشانه گذاری نشده بود ($t=2/80$ ، $df=18$ ، $p<0/02$ ، $Mean=12/7$).

بحث و نتیجه گیری

محققین در مطالعه حاضر از منطق جایگاه وقفه به عنوان یک اصل شناخته شده در ادبیات دوره بی پاسخی روان شناختی استفاده کرد و درحالی که حرکات چشم آزمودنی ها را کنترل می کرد تا بتوانند به طور دقیقی به این سؤال پاسخ دهد که کدام مرحله از پردازش اطلاعات تحت تأثیر بازداری بازگشت دچار بازداری می شود. به همین منظور از یک الگوی دوره بی پاسخی روان شناختی تعدیل شده استفاده شد به این شکل

برای بررسی بازداری بازگشت آزمون تی زوجی بر روی زمان واکنش محرک دوم در بلوک های حالت نشانه- هدف دوم انجام شد. توجه داشته باشید که در این کوشش ها محرک شنیداری ارائه نمی شد. تفاوت بین زمان واکنش به هدف در موقعیت نشانه گذاری شده و نشانه گذاری نشده در مرحله آزمون معنی دار نبود، اما زمان واکنش موقعیت نشانه گذاری شده آهسته تر از این زمان در موقعیت نشانه گذاری نشده بود ($t=2/80$ ، $df=18$ ، $p<0/02$ ، $Mean=7/59$) و اما اختلاف بین زمان واکنش محرک دوم در موقعیت نشانه گذاری شده نسبت به موقعیت نشانه گذاری نشده در بلوک های تمرینی معنی دار بود؛ یعنی زمان واکنش موقعیت

که قبل از تکلیف اول که یک تکلیف دو انتخابی شنیداری بود یک نشانه بینایی ارائه می‌شد و تکلیف دوم یک تکلیف مکان‌یابی بینایی بود. برای پاسخ به سؤال مطرح‌شده در بالا بایستی مطمئن می‌شدیم که الگوی مورد استفاده قادر به تولید و اندازه‌گیری هر دو پدیده بازداری بازگشت و دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی بودند، سپس قادر به پاسخ‌دهی از طریق الگوی تعاملی این دو پدیده بودیم. به‌طور کلی نتایج تحقیق نشان داد که هم بازداری بازگشت و هم دوره بی‌پاسخی تولید شده است.

نتایج تحقیق نشان داد که ۱. اختلاف بین زمان واکنش به هدف ارائه‌شده در موقعیت نشانه‌گذاری شده و نشانه‌گذاری نشده در حالت نشانه-هدف دوم تنها در کوشش‌های تمرینی معنی‌دار و در موقعیت نشانه‌گذاری شده آهسته‌تر از موقعیت نشانه‌گذاری نشده بود. ۲. با کاهش فاصله ارائه بین هدف اول و دوم زمان واکنش محرک دوم هم برای موقعیت نشانه‌گذاری شده و هم نشانه‌گذاری نشده افزایش یافت. ۳. در کوشش‌های ترکیبی یعنی حالت نشانه-هدف اول-هدف دوم اختلاف بین زمان واکنش به محرک دوم بین حالت نشانه‌گذاری شده و نشده تنها در حالتی که فاصله ارائه بین دو هدف برابر با ۸۰۰ هزارم ثانیه بود، معنی‌دار بود و این اختلاف در فاصله‌های زمانی بین هدف اول و دوم ۲۰۰ و ۴۰۰ هزارم ثانیه معنی‌دار نبود.

در تائید پیش‌فرض نیاز به تولید بازداری بازگشت، محقق حالتی را در اجرای تکلیف فراهم کرده بود که مشابه با الگوی نشانه‌گذاری فضایی پوسنر بود. در این حالت تنها نشانه و هدف بینایی (هدف دوم) ارائه می‌شدند. بعد از

بررسی مقدار بازداری بازگشت در کوشش‌های مشابه با الگوی نشانه‌گذاری فضایی پوسنر، این مقدار در بلوک‌های آزمون معنی‌دار نبود؛ بنابراین به بررسی بیشتر کوشش‌های حالت الگوی فضایی در مرحله تمرین پرداختیم. نتایج مقدار بازداری بازگشت معنی‌داری را در مرحله تمرین نشان داد. این نتایج نشان می‌دهد که بین اجرای دو الگوی مشابه نشانه‌گذاری فضایی در تمرین و آزمون چیزی متفاوت بوده است. این دو الگو از لحاظ ظاهری از همه نظر کاملاً شبیه یکدیگر است، احتمالاً تنها عامل اختلاف بین این دو در حالت ذهنی یا استراتژی ذهنی مورد استفاده توسط آزمودنی حین اجرای تکلیف بوده است. باید توجه داشت که در یک بلوک تمرینی کلیه کوشش‌های یک بلوک الگوی نشانه‌گذاری فضایی را ارائه می‌کرد بنابراین آزمودنی همواره از یک استراتژی برای پاسخ استفاده می‌کرده است؛ اما در بلوک‌های آزمون الگوی نشانه‌گذاری فضایی همراه با دو الگوی دیگر یعنی در حالتی که ممکن بود محرک شنیداری نیز در یکی از کوشش‌ها ظاهر شود، ارائه می‌شد؛ بنابراین در آزمون افراد باید دو استراتژی برای اجرای الگوی نشانه‌گذاری و اجرای تکلیف دشوارتر دوگانه را مورد استفاده قرار می‌دادند. چون زمان ارائه محرک‌ها کاملاً غیرقابل پیش‌بینی بوده است، احتمالاً افراد ترجیح به آماده نگه‌داشتن نقشه ذهنی دشوارتر در اجرای تکلیف در آزمون داشتند چراکه نادیده گرفتن کامل توجه خطای کمتری را در اجرا برای فرد به همراه داشته است و آزمودنی به‌طور اختیاری تنها به هدف اول و دوم در الگو توجه داشته است.

اما نتایج نشان داد که با کاهش فاصله زمانی بین هدف اول و دوم زمان واکنش محرک دوم به‌طور معنی‌داری افزایش یافت. این نتیجه بیانگر وقوع دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی با کاهش فاصله بین دو محرک است. احتمالاً وقفه شناختی ایجادشده قبل از مرحله تنگ راه یا همان مرحله انتخاب پاسخ دلیل افزایش زمان واکنش است. باید توجه داشت که ما در تحقیق حاضر شرایطی را در اجرای تکلیف فراهم کردیم که تنها هدف اول و دوم ارائه می‌شدند (همان الگوی دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی) و از این طریق از وجود دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی و وقفه شناختی اطمینان حاصل کردیم. نتیجه حاصل را با استفاده از دیدگاه تنگ راه می‌توان به‌راحتی توجیه کرد. بر طبق این دیدگاه مرحله انتخاب پاسخ برای هر دو تکلیف دارای ظرفیت پردازش یک تکلیف در یک‌زمان است از این‌رو با کاهش فاصله زمانی بین دو محرک میزان منتظر ماندن تکلیف دوم برای اتمام مرحله تنگ راه تکلیف اول افزایش یافته است و این افزایش در افزایش زمان واکنش محرک دوم در فاصله‌های کوتاه خود را منعکس کرده است.

در الگوی ترکیبی نشانه - هدف اول - هدف دوم نتایج نشان داد که تفاوت بین زمان واکنش محرک دوم نشانه‌گذاری شده با حالت نشانه‌گذاری نشده تنها در فاصله زمانی بین هدف اول و دوم ۸۰۰ هزارم ثانیه معنی‌دار شده است درحالی‌که در دو فاصله دیگر یعنی ۲۰۰ و ۴۰۰ هزارم ثانیه این اختلاف معنی‌دار نیست؛ یعنی تنها در فاصله ۸۰۰ هزارم ثانیه زمان واکنش موقعیت نشانه‌گذاری شده به‌طور معنی‌داری بزرگ‌تر از زمان واکنش به هدف نشانه‌گذاری شده بود. باید

توجه داشت که در دو فاصله زمانی کوتاه بین هدف اول و دوم (۲۰۰ و ۴۰۰ هزارم ثانیه) طبق منطق جایگاه وقفه، یک وقفه شناختی قبل از اجرای مرحله دوم پردازش تکلیف دوم وجود دارد. وجود این وقفه با داشتن زمان واکنش‌های بزرگ‌تر در دو فاصله کوتاه و در الگوی بدون نشانه یعنی الگوی دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی در این تحقیق نشان داده شد؛ اما در فاصله طولانی‌تر بین دو هدف هیچ وقفه شناختی وجود نداشته است چراکه هدف دوم برای پردازش مرحله دوم خود یا همان انتخاب پاسخ مجبور به انتظار برای اتمام مرحله انتخاب پاسخ تکلیف اول نبوده است؛ بنابراین اگر بازداری ایجادشده توسط نشانه در مرحله پیش از دهانه بطری یا همان مرحله حسی/ ادراکی واقع شده باشد، توسط وقفه شناختی جذب‌شده و نمی‌تواند افزایش اضافی را در زمان واکنش کلی تکلیف داشته باشد؛ اما از آنجائی که در فاصله زمانی ۸۰۰ هزارم ثانیه بین دو هدف هیچ وقفه شناختی قبل از مرحله انتخاب پاسخ وجود نداشته است، تأخیر ایجادشده در مرحله اولیه پردازش تکلیف دوم یا همان مرحله حسی/ ادراکی بر اثر بازداری بازگشت به‌طور مستقیم خود را در افزایش زمان واکنش به محرک دوم در موقعیت نشانه‌گذاری شده نشان داده است؛ اما اگر بازداری ایجادشده بر اثر نشانه در مرحله حرکتی یا همان انتخاب پاسخ رخ می‌داد، این افزایش بایستی صرف‌نظر از مقدار فاصله زمانی بین هدف اول و دوم یا بود یا نبود وقفه شناختی قبل از مرحله انتخاب پاسخ برای پردازش محرک دوم، همواره خود را به‌صورت زمان واکنش آهسته‌تر در موقعیت

بازداری بازگشت در حالی که حرکت چشم‌ها محدود نشده است ضروری به نظر می‌رسد. بررسی اینکه آیا بازداری بازگشت همانند آنچه تیلور و کلین (۲۰۰۰) در مدل دومؤلفه‌ای خود ارائه کردند همراه با حرکت چشم‌ها حرکت است یا نه جالب توجه خواهد بود. علاوه بر این انجام تحقیق حاضر همراه با پاسخ حرکت چشم نیز لازم است بررسی شود زیرا در پاسخ حرکت چشم نشان داده شده است که هیچ جایگاه اثر حسی/ادراکی وجود ندارد (برای نمونه تیلور و کلین ۲۰۰۰ را ببینید).

در مجموع در پاسخ به این سؤال که بازداری بازگشت کدام مرحله از پردازش اطلاعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد نتایج ما در حالت تعاملی اثر بازداری بازگشت و دوره بی‌پاسخی روان‌شناختی با استفاده از پیش‌فرض‌های منطق جایگاه وقفه شناختی نشان داد که مرحله حسی/ادراکی تحت تأثیر ارائه نشانه در موقعیت سازگار باهدف دچار تأخیر می‌شود. پس نتایج یک اثر بازداری بازگشت مبتنی بر درونداد را نشان داد.

نشانه‌گذاری شده نسبت به موقعیت نشانه‌گذاری نشده خود را نشان می‌داد.

با در نظر گرفتن همه یافته‌ها معلوم می‌شود در حالتی که چشم‌ها ثابت بودند بازداری بازگشت باعث بازداری یا تأخیر مرحله حسی/ادراکی شده است. پس این یافته‌ها نشان می‌دهد که در نبود حرکت چشم‌ها اثر بازداری بازگشت هم‌راستا با ایده اولیه پوسنر و کوهن (۱۹۸۴) بود که آهسته‌تر بودن زمان واکنش در موقعیت نشانه‌گذاری شده نسبت به نشانه‌گذاری نشده را با کاهش کارآمدی پردازش نشانه‌های حسی در موقعیت نشانه‌گذاری شده توجیه کردند. این نتایج هم‌راستا با دیدگاه حسی/ادراکی بازداری بازگشت است. بر طبق این دیدگاه نیز مرحله ادراکی/ توجهی است که تحت تأثیر بازداری بازگشت بازداری می‌شود. این نتایج هم‌راستا با نتایج تیلور و کلین (۲۰۰۰) و گیسون و پرت (۱۹۹۹) هستند. هر دو این تحقیقات نشان دادند درحالی که چشم‌ها ثابت هستند مراحل اولیه پردازش دچار بازداری می‌شوند یا حداقل یک مؤلفه ادراکی/ توجهی در توجیه پدیده بازداری بازگشت وجود دارد. بررسی بیشتر جایگاه تأثیر

References:

Gibson, B. S., & Egeth, H. (1994). Inhibition and disinhibition of return: evidence from temporal order judgments. *Perception & Psychophysics*, 56(6), 669-680.

Ivanoff, J., & Klein, R. M. (2001). The presence of a nonresponding effector increases inhibition of return. *Psychonomic Bulletin & Review*, 8(2), 307-314.

Ivanoff, J., Klein, R. M., & Lupiáñez, J. (2002). Inhibition of return interacts with the Simon effect: An omnibus analysis and its implications. *Perception & Psychophysics*, 64(2), 318-327.

Kingstone, A., & Pratt, J. (1999). Inhibition of return is composed of attentional and oculomotor processes. *Perception & Psychophysics*, 61(6), 1046-1054.

- Klein, R. (1988). Inhibitory tagging system facilitates visual search. *Nature*, 334(6181), 430-431 .
- Klein, R. M. (2000). Inhibition of return. *Trends in Cognitive Sciences*, 4(4), 138-147. doi: 10.1016/S1364-6613(00)01452-2
- Klein, R. M. (2004). On the Control of Visual Orienting. In P. M.I. (Ed.), *Cognitive Neuroscience of Attention* (pp. 29-44.): Guilford Press.
- Klein, R. M., & Hilchey, M. D. (2011). Oculomotor inhibition of return. S. Liversedge, I. D. Gilchrist, & S. Everling (Eds.), *The Oxford handbook of eye movements* (pp. 471–492). Oxford, UK: Oxford University Press.
- Klein, R. M., Schmidt, W. C., & Müller, H. J. (1998). Disinhibition of return: unnecessary and unlikely. *Perception & Psychophysics*, 60(5), 862-872 .
- Klein, R. M., & Taylor, T. L. (1994). Categories of cognitive inhibition with reference to attention. *Inhibitory processes in attention, memory, and language*, 113-150 .
- Lupiañez, J., Milán, E. G., Tornay, F. J., Madrid, E., & Tudela, P. (1997). Does IOR occur in discrimination tasks? Yes, it does, but later. *Perception & Psychophysics*, 59(8), 1241-125 .
- Lupiañez, J., Klein, R. M., & Bartolomeo, P. (2006). Inhibition of return: Twenty years after. *Cognitive Neuropsychology*, 23, 1003–1014. doi:10.1080/02643290600588095
- Maylor, E. A., & Hockey, R. (1985). Inhibitory component of externally controlled covert orienting in visual space. *Journal of Experimental Psychology: Human Perception and Performance*, 11(6), 777 .
- Pashler, H. (1994). Dual-task interference in simple tasks: data and theory. *Psychological bulletin*, 116(2), 220 .
- Pashler, H. E., & Sutherland, S. (1998). *The psychology of attention* (Vol. 15): MIT press Cambridge, MA.
- Posner, M. I., & Cohen, Y. (1984). Components of visual orienting. *Attention and performance X: Control of language processes*, 32, 531-556 .
- Posner, M. I., Rafal, R. D., Choate, L. S., & Vaughan, J. (1985). Inhibition of return: Neural basis and function. *Cognitive neuropsychology*, 2(3), 211-228 .
- Pratt, J., Kingstone, A., & Khoe, W. (1997). Inhibition of return in location-and identity-based choice decision tasks. *Perception & Psychophysics*, 59(6), 964-971 .
- Reuter-Lorenz, P. A., Jha, A. P., & Rosenquist, J. N. (1996). What is inhibited in inhibition of return. *Journal of Experimental Psychology: Human Perception and Performance*, 22(2), 367 .
- Schmidt, W. C. (1996). Inhibition of return is not detected using illusory line motion. *Perception & Psychophysics*, 58(6), 883-898 .
- Schmidt, R. A., & Lee, T. D. (2005). *Motor control and learning: A behavioral emphasis* (4th ed.). Champaign, IL: Human Kinetics.
- Satel, J, Hilchey, M, Wang, Z, Reiss, S, C and Klein, R. In search of a reliable electrophysiological marker of oculomotor inhibition of return. *Psychophysiology*, 51 (2014), 1037–1045.
- Takeda, Y., & Yagi, A. (2000). Inhibitory tagging to continuous visual stimuli. *Percept. Psychophys* .
- Taylor, T. L., & Klein, R. M. (2000). Visual and motor effects in

inhibition of return. *Journal of Experimental Psychology: Human Perception and Performance*, 26(5), 1639 .

Terry, K. M., Valdes, L. A., & Neill, W. T. (1994) .Does “inhibition of return” occur in discrimination tasks? *Perception & Psychophysics*, 55(3), 279-286 .